

جوین خراسان و جوین سیستان گویان یا کویان؟

تصحیحی در حواشی زین الاخبار گردیزی

دانشمند گرامی مؤید ثابتی از مشهد نامه‌ی باین جانب فرستاده و در ضمن آن حسن نظر و قدردانی خود را از نشر و تحشیه و تعلیق زین الاخبار گردیزی ابلاغ داشته‌اند، که برای نویسنده این سطور موجب امتنان و مسرت است، همواره بتأییدات الهی مؤید باد! درین نامه مینویسند: در صفحه ۱۰۱ فصل عبدالله بن عامر بن کریم مرقوم شده است: کویان همین جوین فراه است.

جوین ولایتی است بین اسفراین و سبزوار و مولد و موطن شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی و عطا ملک جوینی صاحب تاریخ جهانگشاست. آزادوار یکی از قصبات جوین است و اکنون یکی از ایستگاه‌های راه آهن طهران مشهد است و بهمین نام نامیده میشود. نام قدیم جوین، کویان با (ب) نه یا (ی) بوده است. در کتاب لباب‌الالباب مینویسد: «الملك السادات نیشابوری صاحب دیوان استیفای نیشابور بود، وقتی از وی استماع افتاد که وقتی به اسفراین رفته شد، در اثنای راه این رباعی اتفاق افتاد،

تارنج درین زمانه آئین آمد گویی که برای من مسکین آمد
از جور سپهر سبزوار این دل من کویان کویان با سفر این آمد

سبزوار و اسفراین و کویان سه ولایت است، سخت نیکو نشان داده است (لباب‌الالباب ص ۱۲۶).

این تذکره دوستانه جناب مؤید ثابتی، برای من که وسواسی درین گونه موارد دارم سابق شد که باور اراق پارینه بنگرم و اگر سهوی افتاده باشد تلافی کنم.

در زین الاخبار گردیزی (ترتیب حبیبی) ص ۹۳ در جدول امرای خراسان، دارالملك عبدالله بن عامر را در حدود ۲۳ هـ گویان می‌نویسد که در هر دو نسخه خطی زین الاخبار نقاط ندارد و در حاشیه آن نوشته‌ام: «املاى صحیح آن گویان = گوین و جوین مغرب است و این غیر از جوین خراسان باشد که در قرب فراه در ناحیت سیستان واقع بود و تاکنون هم جوین نامیده میشود. (ص ۹۸)

بعد ازین در ص ۱۰۱ وارد است که عبدالله بن عامر «بقومس آمد و پس به گویان آمد و آنجا مقام کرد و از آنجا به آزادوار آمد و صلح کرد و دختر ملحان گویانی را بگرفت و به عبدالله بن خازم داد بزنی، درینجا بر حاشیه کلمه گویان نوشته‌ام، «گویان همین

جوین فراہ است کہ شرحش گذشت .

در صفحه ۱۳۱ زین الاخبار جایگه بیکارهای علی بن عیسی بن ماهان را با حمزه خارجی در سیستان شرح دهد مینویسد : « و علی بن عیسی چند تن از سرهنگسان خویش را به اوق فرستاد و به کویین . » که در اینجا در هر دو نسخه (به) با کاف متصل نوشته شده و نقطه هم ندارد و من در حاشیه نوشته‌ام ، گوین یا گویان همین جوین فراہست .

در صفحه ۱۵۹ گوید : « بکر بن مالک ... با حشم بیرون آمد و به ده آزادوار فرود آمد از روستای گویان . در حاشیه این عبارت نوشته‌ام ، « گویان : جوین . و این غیر از گویان یا جوین سیستان است . »

جوین خراسان

بدین نظم در تاریخ گردیزی دو گویان مذکور است که یکی در خراسان واقع بودو در تاریخ بانتساب خانواده صاحب دیوان ومؤرخان و علماء شهرت فراوان دارد ، و این همان است که در صفحات ۹۸ و ۱۰۱ و ۵۹ زین الاخبار بشکل گویان مضبوط است .

در قدیمترین منابع جغرافی عربی ، این جوین را از شهرهای نشابور گفته‌اند . ابن رسته و ابن خردادز به گویند ، از شهرهای نشابور زام ، باخرز ، جوین و بیهق است . (۱) یاقوت و ابن اثیر تصریح میکنند که جوین برشهرای بسطام و نشابور واقع است که مردم خراسان آنرا گویان گفتندی ، چون معرب شد جوین گشت . بسوی قبله بیهق است و از شمال بحدود جاجرم پیوسته که قصبه آن آزادوار باشد . گوین منسوبست بنام یکی از حکمرانان آن . و یا اینکه نسبت آن به کوی است که ۱۹۸ قریه دارد و از نشابور ده فرسخ است ، و عده بزرگه علما بدان منسوبند (۲) .

بقول حمدالله مستوفی مرکز گویان (جوین معرب) در آزادوار بود ، ولی در قرن هشتم هجری (= چهاردهم میلادی) به فریومد انتقال یافت که شهرستان آنجاست (۳) .

املائی گویان به ضمه اول و سکون واو که اصل آن گویان بود در خود محیط خراسان تا حمله مغل رواج داشته ، ولی اعراب از اوائل ورود خود آنرا معرب و جوین ساخته‌اند (۴) و مؤلفان عربی که بدین سرزمین نیامده و از مردم خراسان نام آنرا شنیده‌اند ، بشکل معرب جوین نوشته‌اند ، ولی محمد بن احمد مقدسی که خراسان و سیستان را دیده بود ، در حدود ۳۷۸ ه گویان مینویسد و گوید ، روستای وسیع کثیر الخیر است که میوها و غله‌ها و پوشاک‌ها ازان خیزد (۵) ، و در صفحه دیگر کتاب او جوینان هم آمده که نسخه بدل آن گویان است (۶) .

(۱) الاعلاق النفیسه ص ۱۷۱ و المسالك والمالك ۲۴ . ۲- معجم البلدان ۱۹۲/۲ و اللباب ۲۵۶/۱ . ۳- نزهة القلوب ۱۸۴ . ۴- کتاب البلدان ابن قتیبه که در حدود ۲۹۰ ه تألیف شده ص ۳۱۹ . ۵- احسن التقاسیم ۳۱۸ . ۶- همین ۳۲۲ .

جوین فراه یا سیستان

در ص ۱۳۱ زین الاخبار ذکر کوین در سرزمین سیستان در ردیف اوق هم آمده که اکنون در ولایت فراه افغانستان یک ناحیت حاکم نشین بنام لاش و جوین موجود است ، و یکی از حکمرانان متأخر شاه حسین سیستانی در حدود ۱۰۲۸ ه آنرا بنام قلعه لاش و قلعه جوین ذکر کرده است (۱) .

این جوین فراه نیز از قدیم بهمین نام معروف بود. الیعقوبی جوین را از کوره‌های سیستان میداند (۲) ، و ابن رسته گوید ، که ازوادی فره به جوین آیند (۳) . مقدسی گوین را بشمول فره از نواحی زرنج شمارد (۴) و باز در شرح سیستان آنرا از شهرهای این ناحیت داند (۵) و گوید : کوین (به ضمه اول و فتحه دوم) شهرست که حصن منیع بزرگی دارد، و چون خوارج درانند منبری ندارد (۶) . از زرنج بفاصله یک مرحله کرکویه و بعد از آن بمسافه یک مرحله بستر و پس از یک مرحله جوین واقع است (۷) و بقول ابن حوقل از همین جوین تا بست نیز یک مرحله بود (۸) ، که عین همین فواصل را اصطخری نیز از بستر به جوین و ازینجا تا بست می‌شمارد (۹) .

چنانچه در احسن‌التقاسیم نوشته شده ، در تاریخ سیستان نیز بهمین املا (کوین) در نواحی سیستان و فراه آمده (۱۰) ، و بونصر حمدان گوینی منسوب بدان است (۱۱) که در کتب کنونی نیز آنرا در شرح جغرافیای تاریخی سیستان و نقشه‌های مرتبه آن آورده‌اند (۱۲) .

جوین سرخس

ابن اثیر از یک جوین دیگری که در سرخس واقع بود نیز نام می‌برد و گوید که سماعی صاحب الانساب بدو جوین مذکور اشاره کرده ولی جوین سوم را که یکی از قرای سرخس بود نیاورده است، و باین جوین سرخس ابوالمعالی محمد بن حسن جوینی سرخسی منسوبست که امام فاضل پرهیزگار و فقیهی بود از تلامیذ علی ابی‌الحسن شرمقانی (۱۳) .

اینست آنچه در باره سه جوین در کتب تاریخ و جغرافیا آمده و ظاهراًست که املائی گویان = کوین = جوین در باره هردو جوین خراسان و سیستان رواج داشته و در مورد جوین سرخس فقط املائی معرب آن دیده شده است .

-
- ۱ - احياء الملوك ۹۹ در تاریخ سیستان لاش را قلعه سپید دز اوق هم گفته است (ص ۴۰۴) که بعد از آن به قلعه سفیدکوه مشهور بود. (ص ۴۰۶) ۲ - کتاب البلدان ۲۸۱ .
 - ۳ - الاعلاق النفیسه ۱۷۴ . ۴ - احسن‌التقاسیم ۵۹ . ۵ - همین ۲۹۶ . ۶ - همین ۳۰۶
 - ۷ - همین ۳۵۰ . ۸ - صورة الارض ۴۲۱ . ۹ - مسالك الممالك ۴۲۱ . ۱۰ - تاریخ سیستان ۲۰۷ ، ۳۳۶ . ۱۱ - همین ۲۹۹ . ۱۲ - جغرافیة خلافت شرقی ۳۴۲ و نقشه سیستان و قوهستان و خراسان . ۱۳ - اللباب ۲۵۷/۱ که عین همین مطلب را یاقوت نیز آورده است (معجم البلدان ۱۹۳/۱) .

نتیجه

اکنون از جناب مؤید ثابتی ممنون باید بود ، که چنین مطلبی را یادآوری کردند و از روی شرحی که داده شد ، در حاشیه صفحه ۹۸ و ۱۰۱ تصحیحی وارد می‌شود ، که مراد از گویان یا جوین مذکور درین صفحات زین الاخبار جوین خراسان است نه جوین سیستان . زیرا به قرینه ذکر آزادوار و قومس توان گفت که دارالملک عبدالله بن عامر در حدود ۲۳ هـ گویان = جوین واقع خراسان در نزدیکیهای آزادوار کنونی بود و هم ملحان گویانی که دختر او را عبدالله بن خازم گرفت از همین گویان خراسان بود .

اما اینکه مراد ملك السادات نیشابوری صاحب دیوان در رباعی سابق الذکر از گویان همین گویان یا جوین خراسان باشد مورد تأمل است . زیرا در کتب سلف و خلف ابداً و اصلاً چنین املائی برای جوین یا گویان یا گوین وارد نیست و اگر گویان از ماده کوب و کوبیدن و کوفتن باشد پس با کاف عربی و (ب) است نه گویان .

ماده کوب با رنج و تعب و مشقت متلازم است ، در رنج و کوب ، درین بیت اسدی بطور اتباع آمده است :

تو در پای پیلان بدی خاشه روب کواره کشی پیشه با رنج و کوب

(لنت فرس ۳۱)

که علامه دهخدا هم آنرا از اتباع رنج بمعنی مشقت و تعب شمرده است .

(حاشیه برهان ص ۱۷۱۸)

چون در رباعی ملك السادات که جناب مؤید ثابتی نقل فرموده اند ، رنج زمانه وجود سپهر مطرح است ، بنابراین گویان با (ب) صحیح خواهد بود ، ولی نه این گویان خراسان . بلکه در همین نواحی گویان یکی از قرای مرو بود ، که بشکل جوینان معرب گردید (۱) . بیاد دارم که روزی در کراچی با مرحوم سعید نفیسی که لباب الالباب عوفی را با تحشیه و تعلیق نشر کرده بود ، در باره املائی این کلمات که گویان است یا کوبان ؟ گفتگو افتاد و در اینجا من قرائت برخی ازارباب ذوق را که گویان گویان بمعنی شاکمی و نالان است شرحی دادم و به املائی قدیم و نام اصیل گویان خراسان که در همین نواحی سبزوار و اسفراین است اشاره کردم . وی گفت : گویان درین نواحی نیست و بنابراین املائی گویان مرجح باشد ، ولی در حین تحشیه و طبع کتاب ، ملتفت نبوده است .

خود من از جناب ثابتی بسیار ممنونم که یادآوری دوستانه وی موجب تصحیح حواشی دو صفحه زین الاخبار گشت . ولی این سخن را که در رباعی ملك السادات کدام املا معتبر و سازگارتر است با رباب ذوق و ادب میگذارم ، و من هر دو توجیه را نوشتم .